

گنده‌لاتی که توبه کرد

گفت‌و‌گو با «امین آقا فرزان» که ۱۲ سال از عمرش را در زندان گذراند اما بعد از سفر به کربلا توبه کرد و حالا با فعالیت های خیر خواهانه اش معروف است

مجید حسین زاده | روزنامه نگار

پرونده

همه آرزویش این است که پاک شود، قبل از این که خاک شود. پیرو راه حاج طیب است و هنوز باورش نمی‌شود که امام حسین (ع) چطور دست او را گرفته و راه در ست را به او نشان داده‌است؟ از همان دوران کودکی اهل شلوغ کاری بوده و اولین بار به جرم چاقو کشی در مقطع راهنمایی دستگیر شده و به زندان کانون نوجوانان افتاده است. تقریباً بیش از ۱۲ سال از عمرش را در زندان سپری کرده‌است تا این که نقطه عطفی در زندگی اش رخ می‌دهد. حالا او به مردی خوش قلب و مهربان معروف شده که دست به خیر دارد و یکی از لوتی‌های پرفردار و پرهوادار است و بعضی از مردم او را در دیف افرادی همچون حاج طیب، شاهرخ ضرغامو... قرار می‌دهند. در پرونده امروز زندگی سلام به سراغ او رفتیم تا برای مان از سرگذشت عجیب و غریب‌اش بگویید، از این که چطور از گنده‌لاتی، حالا به شرافت انسانیت و انجام کارهای خیر معروف شده است. از آقای «مهدی حسینی» که هماهنگی‌های این گفت‌و‌گو را انجام دادند، تشکر می‌کنیم.

در محله‌ای بزرگ شدم که حادثه‌خیز بود

«امین فرزان» متولد ۱۹ خرداد ۱۳۳۹ در شهر ری تهران است. او سال‌های زیادی از عمرش را در زندان بوده و بدنش پر از بریدگی ناشی از دعوا و چاقو کشی است. خیلی دوست‌ندار داز گذشته‌اش صحبت کند اما درباره آن روزها می‌گوید: «اجازه بدهید صحبت‌م را با تسلیت به همه سیاه‌پوش‌های آقا امام حسین (ع) شروع کنم. ببینید، توبه را خداوند برای چه در نظر گرفته؟ بالاخره انسان جایز الخطاست. من خام بودم، پخته‌شدم، سوختم. در بچگی انسان خام است، نمی‌داند چی به چی است. من در جنوب شهر، جایی زندگی می‌کردم که حادثه‌خیز بود و ماجراجویی جوانان، جنسش با بقیه جاها فرق می‌کرد. من در چنین محله‌ای بزرگ شدم و شدن چه نیاید می‌شد. البته ورزشکار هم بودم؛ دوندۀ تیم ملی در رشته‌های ۱۵۰۰ و ۱۸۰۰ متر. سه‌مدال هم دارم و دوندۀ خوبی بودم. نمی‌دانم چه شد اما خدا گاهی یک‌مهری به دل آدم می‌اندازد، دیگر خالص و مخلص، نوکر اهل بیت (ع) می‌شود و همین دستش را می‌گیرد.»

خیلی دوست داشتم مثل حاج طیب شوم



«امین فرزان» که به خاطر تحولی که برایش اتفاق افتاد، به او لقب «امین آقا فرزان» داده‌اند، درباره تغییر سبک و شیوه زندگی‌اش می‌گوید: «انسان گاهی یک‌پهلو به خودش می‌آید، خواسته یا ناخواسته در شرایطی قرار می‌گیرد که از دست خودش و رفتار هایش خسته می‌شود. بعدش تصمیم می‌گیرد یک سری تغییر و تحولات در زندگی‌اش ایجاد کند. آن روزها من وقتی سرم‌نوشت خودم را مرور کردم، با خودم گفتم که مشتئ، تو اگر پیرو راه طیب‌خان هستی، طیب‌خان پاک‌شد، بعدش خاک‌شد، تو می‌خواهی چه کار کنی؟ من آن موقع بچه بودم ولی طیب‌خان با آن شرایطی که داشت، با آن اسم و رسمی که همه شنیدید، محرم که می‌شد، دسته راه می‌انداخت، با پای برهنه، به سر و صورتش گل می‌مالید، سینه می‌زد و این شعر را می‌خواند: «شیعه تواب می‌خوری، حسین (ع) ما تشنه لب است». بعدش ما دیدیم فردی که پیرو راهش بودیم، مشتئ بود، جوانمرد بود، همیشه در میدان عمل و دست گیر مردم بود، البته لات هم بود اما هر چه بوده، عاقبت به خیر شد. خیلی‌ها بودند که اسم و رسم داشتند، لات بودند اما عاقبت، پاک شدند.»

تایک ماه، باورم نمی‌شد که توبه کرده‌ام

از او می‌پرسم که برایش سخت نبود که بعد از توبه، سبک زندگی‌اش را ۱۸۰ درجه تغییر دهد که می‌گوید: «من تایک ماه بعد از برگشت از این سفر معنوی، فکر می‌کردم که خواب دیدم. اصلاً باورم نمی‌شد که به کربلا و نجف مشرف شدم. هر روز صبح از خانه که بیرون می‌آمدم و بنرهای کربلایی امین فرزان را می‌دیدم، یک‌پهلو به داخل خانه برمی‌گشتم و به خانمم می‌گفتم این بنر ها که هنوز هست، من باید با قبل فرق

کنم، چه کنم؟ ... تایک ماه واقعا باورم نمی‌شد که تصمیم گرفته‌ام شیوه زندگی‌ام را تغییر دهم. اصلاً باورم نمی‌شد که بتوانم و موفق شوم. چه جوری بگم، شاید ۱۰ در صد آن غرور و منم‌هم‌های قبل از سفر به کربلا را در برگشت از آن جادر خودم حس می‌کردم و تصمیم گرفتم که همان ۱۰ در صد را هم حذف کنم.»

راه توبه، مدد گرفتن از اهل بیت (ع) است

«جوان‌های زیادی دوست دارند، توبه کنند. جوان اشتباه می‌کند، اما ذاتش پاک است. بعضی‌هایم آیندپیش من می‌گویند که چه کنیم؟ تو چه کردی که موفق به توبه‌شدی؟...»، او با این مقدمه ادامه می‌دهد: «جوان‌های عزیز، من دست همه شما عاشقان امام حسین (ع) را می‌بوسم، شاهراه توبه، اصلی‌ترین راه توبه، کمک گرفتن از امام حسین (ع) است. جوان‌های زیادی می‌آیند پیش من که اشتباه کردیم، می‌خواهیم برگردیم، راه توبه بسته است یا نه؟ جوانی که می‌خواهی خالکوبی کنی، روی دست یا صورتت خط بیندازی، آخر می‌شوی

تنهایی می‌شود مُرد اما تنهایی نمی‌شود خورد

او این روزها، با اسم و رسم دیگری نسبت به گذشته‌اش بین مردم زندگی می‌کند. حالا او با مشارکت در اموری مانند جهیزیه دادن به دختران بی‌ضاعت، دستگیری از تنییم‌ها، اشتی دادن و رضایت گرفتن برای مقروضان دیه و محکومان قصاص، دست به خیر هم دارد. در این باره می‌گوید: «در کار خیر، ریا معنا ندارد. همین الان رفته بودم پای کوره‌های آجرپزی در حاشیه شهر. چند بسته آذوقه بود، به دست‌شان رساندم. انسان باید ممنوع خودش را دوست داشته باشد. تنهایی می‌شود مُرد اما تنهایی نمی‌شود خورد. تا قبل از توبه، وقتی می‌دیدم که یک عده دست به خیر دارند و مدام در حال تلاش برای کمک به فقرا و پول جمع کردن برای آن‌ها هستند، با خودم می‌گفتم که این‌ها را ببین که کجاها دارند، پول و زمان‌شان را هدر می‌دهند اما الان که خودم در گود هستم، می‌بینم که چه لذتی دارد. بنی‌آدم اعضای یکدیگرند، فقط نباید یک‌شعار باشد.»



من توبه‌ام را مدیون امام حسین (ع) هستم

از او می‌پرسم که می‌گویند شما بعد از مشرف شدن به کربلا، توبه کردید و گذشته‌تان را کنار گذاشتید، درست است؟ آقا فرزان این‌طور پاسخ می‌دهد؟ «من توبه‌ام ام‌دیون امام حسین (ع) هستم. ماجرایش مفصل است. حسین آقای فیروزگر از دوستان است، ۱۲ یا ۱۳ سال پیش بود که آمد پیش من و گفت که برو و گذر نامه‌ات را برایم بیاور. فکر کردم که می‌خواهد من را ببر د به یک کشور خارجی، یک کشور اروپایی یا این جور جایی. اصلاً نمی‌دانستم که قرار است به کجا برویم. در هواپیما هم دوستان مدام من را می‌پیچانند. تنها چیزی که روی هوا به ذهنم می‌رسید این بود که من را به کشوری می‌برند تا برویم تفریح و حال‌وهوایم عوض شود. اما یک‌پهلو دیدم در فرودگاهیم و زمانی که هواپیمای مان در نجف فرود آمد، دلم ریخت. ۱۰ یا ۱۵ نفر بودیم. من رسیدم آن جا، تلنگری خورد به روح و روانم که نه تا آن موقع تجربه‌اش کرده بودم و نه تجربه خواهیم کرد. با خودم گفتم من کجا، حرم شاه نجف کجا؟ بعدش هم مشرف شدم کربلا.

ایهت آن دور انم دلچسب نبود

از او می‌پرسم که آیا بعد از توبه، و سوسه‌نشد که دوباره به همان مسیر قبلی برگردد که می‌گوید: «ایهت و غروری که به خاطر شرارت و دعوایی بودن به انسان دست می‌دهد، دلچسب نیست. بعد از توبه، بالاخره و سوسه شدم، بعضی‌ها توهین هم به من کردند اما گفتم که خدایا، من با تو عهد کردم تا خالص شوم و بعدش خدا خیلی کمکم کرد. بچه بودم، کارهایی کردم که طرف می‌گفت برو آقا، واگذار ت کردم به ابوالفضل، بچه بودم نمی‌فهمیدم ولی من الان خیلی از آن نفرین‌ها وحشت دارم. مدام می‌گویم خدایا، من در جوانی خطا کردم، ناحق توی گوش کسی زدم، ناحق به کسی آسیب رساندم، الان فقط در فکر این هستم که چطور خطاهایی را که در جوانی کردم، ماله بکشم و درست کنم.»

شعار «پاک بشیم، خاک بشیم» باید سرلوحه‌مان شود

«اگر قرار است خیر دنیا و آخرت نصیب مان شود باید یک شعار را سرلوحه زندگی مان قرار بدهیم، باید کاری کنیم که «پاک بشیم، بعدش خاک بشیم». آقا فرزان با این مقدمه ادامه می‌دهد: «چیزی بهتر از این نیست که هر وقت متوجه شدیم مسیر مان را در زندگی اشتباه رفته‌ایم، با امام حسین (ع) حرف بز نیم و بگوییم که آقا، ما اشتباه کردیم و می‌خواهیم با شما عشق بازی کنیم. اما چه عشقی؟ عشق که عین آن علی (ع) است، شین آن شهید کربلا آقا امام حسین (ع) و قاف آن، قمر بنی‌هاشم، ابوالفضل (ع). این عشق وقتی در دلت می‌افتد، لذتی دارد که توصیف‌اش برای من سخت و نشدنی است. بعد از توبه‌ام، هر روز دعا می‌کنم، هر ساعت و هر لحظه دعا می‌کنم که خدایا، ما را آئی به خودمان و انگذار و دست ما را از دامن اهل بیت (ع) جدا نکن تا دوباره به خطا نیفتیم.»

راه توبه، مدد گرفتن از اهل بیت (ع) است

ابوالفضل عرب، باید از توبه‌بزی و کشش‌های زائران آقا را واکس بزنی. اگر با اهل بیت (ع) باشید، هیچ‌گاه در زندگی چه در دنیا و چه در آخرت، زمین نخواهید خورد اما اگر از اهل بیت (ع) دور شوید، شک‌نکنید که شیطان به سراغ‌تان می‌آید. یک‌خواهش دیگر هم دارم، اگر می‌خواهید دست‌تان را بگیرند، احترام به پدر و مادر و بزرگ‌تر خیلی به‌آدم کمک می‌کند. مو سفید و پدر و مادر را باید در قلب‌تان بگذارید تا دست‌تان را بگیرند.»

این روزها در میدان تره‌بار یک حجره دارم

او درباره شغل‌اش در این روزها هم می‌گوید: «من در میدان میوه و تره‌بار، یک حجره دارم و مشغول کار هستم. چندتا سوپرمارکت هم هست که ارث پدری‌ام است و زندگی‌ام را در حدی که زن و بچه‌ام در آسایش نسبی باشند، می‌گذرانم. در مسائل اقتصادی خیلی بلندپرواز نیستم.»

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

یکشنبه • ۲۴ مرداد ۱۴۰۰

۶ محرم ۱۴۴۳ • ۱۵ آگوست ۲۰۲۱

شماره ۲۰۷۲۱

۱۹۵۱



خانمم برای توبه، یار و یاورم شد

نقش خانواده برای گرفتن چنین تصمیم‌هایی و مهم‌تر از آن، پابندی به آن، چیزی است که معمولاً مورد غفلت قرار می‌گیرد. آقا فرزان در این باره می‌گوید: «خانمم هم خدا برایش بسازد. حالا بیش از ۳۰ بار مشرف شده به کربلا. مرد خوب زمانی موفق می‌شود که همسر خوبی داشته باشد. خانمم خیلی در این مسیر به من کمک کرد و برای توبه، به معنای واقعی کلمه یار و یاور من بود. علاوه بر همسر، برادرم بود، رفیق من بود، همه جور پا به پای من آمد. اگر تشویق‌های او نبود، اگر درک کردن‌های او نبود، قطعاً توبه‌ام به سرانجام نمی‌رسید. همین جایی خواهم از او تشکر کنم.»

«پرویز پرستویی» برای رضایت گرفتن توهین می‌شنود اما...

او در این سال‌ها با چهره‌های سینمایی و ورزشی زیادی دیدار داشته است. در این باره می‌گوید: «آن‌ها به من لطف دارند. این که بعضی‌هایشان در اوج محبوبیت و معروفیت، باز هم انسان هستند، خیلی زیباست، مثلاً سلطان آقا پرویز پرستویی؛ پرویز خان سوای فعالیت در دنیای هنر که عالی است، نمی‌دانم دوست دارد که بگویم یا نه اما می‌آید برای رضایت گرفتن از خانواده‌های شاکیان، توهین، جسارت و بی‌ادبی می‌شنود اما کوتاه نمی‌آید. در اوج قدرت، انسان بودن سخت است. من دیدم که می‌گویم و بعضی از این‌ها نوکری مردم را می‌کنند. این‌ها خیلی قشنگ است.»

لات واقعی یعنی داشتن لیاقت ادب و تواضع

«لات واقعی، با این لا شخړو و لښ‌هایی که در کوچه و خیابان‌ها جولان می‌دهند و قدرت‌نمایی می‌کنند، فرق می‌کند، او با این مقدمه درباره ویژگی‌های لات‌های واقعی می‌گوید: «لام آن لیاقت است، الفش هم ادب و ت آن هم تواضع. کسی که لات واقعی باشد، باید این طور باشد و می‌شود طیب‌خان. سال‌ها پیش حریف روسی آقاتختی، بای راستش دردمی کرد، سمتش ز نفت و ماندگار شد، او پهلوان واقعی بود. امسال در المپیک دیدم، رضاضاری و حسن یزدانی، پایشان را بسته بودند، حریف دقیقاً به همان سمت فشار می‌آورد، به جای دستگیری، میج‌گیری می‌کرد. این جایی‌که به خودمان می‌گویم که آقای تختی چه آدم مشتئ و درستی بوده. البته باید بد باشد تا خوب‌تر شتر ابفهمیم.»

تلگرام ندارم، پژو دارم!

پیج‌های زیادی به نام او در اینستاگرام وجود دارد. از او درباره آشنایی‌اش با فضای مجازی می‌پرسم که می‌گوید: «من فقط یک پیج دارم که دست دامادم است. واقعا من خجالت‌زده دردم هستم که بعضی‌ها از طرف من به آن‌ها پیام می‌دهند. طرف از من پرسید که تلگرام داری، گفتم نه داداش، پژو دارم! من کلا از گوشی و فضای مجازی زیاد سر در نمی‌آورم.»

از من می‌پرسند که توبه‌ات برایت چه سودی داشت؟

«من الان ۶۲ ساله هستم و از فرادیم خبر ندارم. وقتی اجل برسد، نگاه نمی‌کند که این فرد پادشاه، کاسب، میلیارد در، ورزشکار یا... است. به خصوص با این کرونا که مرگ‌ها ناگهانی‌تر هم شده‌است». او با این مقدمه می‌گوید: «چندین بار پیش آمده که به من گفتند چه سودی برایت داشت که توبه کردی؟ این همه از امام حسین (ع) دم می‌زنی، برایت چه فایده‌ای داشته است؟ گفتم سودش را می‌خواهید بدانید؟ امام حسین (ع) نمی‌آید بگوید که امین آقا، در خانه رازبا کن، یک تریلی دلار می‌خواهیم برایت بیاوریم که شاید بیاورد هم، اما نوه‌ام از سه طبقه افتاد، دماغش خون هم نیامد. این‌ها هم هست. آن‌ها دست‌گیری می‌کنند به شرط این که ما با آن‌ها خالص باشیم و صداقت داشته باشیم.»

